

دادگاه نظامی با تفاق آراء بصلاحیت خود رأی داد

شورففات را داشتند .
 عده تهاشانی و خیر تکاران در جلسه
 پیداز ظهر امروز بیش از سایر جلسات
 اخیر بود طولبریکه تاسعات چهار بد
 از ظهر تمام صندلیهای جایگاه تشاپینان
 و مغیرین کرفته شده بود و عده‌ای هم نس
 پا ایستاده بودند .
 دو ساعت و نیم انتظار

دوسات و نیم انداز

شاید کوشتر اش داشته باشد در حالی
که این مرد هدف و مظلوش همان چیزی است که در گیر خواست نوشته شده و
همان خیالی است آن موضوع جرم غیر قابل غفو و در مردم ۳۱۷ آینه داردیس مندرج است مردم پس از اینها انتظار چیزی داشتند و فرق و غلکت و نکبت چیزی بدست بیوار دردست سرانجام نیز کروهی از مردم این شور روی دستشار اطفالی یعنی «مادرانی اداره اذنا و یوه یا قی ماده» که اینند در مضر همین داد نامه بازگشود سر برگشتنی داد و نکت در همان لحظاتیکه اتفاق افتاد از این شور پیش از شدن چکوونه از نزدیک و دیوار چراچهارچشمی ایار و اقتضیت جست و خیز ردم و مسانده رویاه به سوراخی پیش برد تا بادخون گشتن و راه مردان آزاده بپرسد.
(دکتر مصدق آغازی رئیس دادستان حق توینه دارد) اولمداد تا خود را در این داد گاه بیسخر کی بزندو آبروی مادر از دنیا بپرسد.
مکر ملاحظه نرمودید که چکو نه خبر نکاران و هکسان مدرس بودند که این مرد نسبت به پیشید که برای آنها سیار گرفتیم باشد، آنها در مقابل او می شنستند و از نشای او حکم برداشتی کی برگزند مردمی که از ازاده ریاست و فراموشی ای او باشد و از این و سکوت کروهی خود خواه برو خود معیف و خشن شده بودند و در انتظار فرصلت بودند میشنه که خبر شدن که این مرد از فرمان شاهنشاه سیاز زده است (دکتر مصدق بایزدرا هم بسته) و این مرد یافغ و طاغی طفیان نبوده خواستند جزای او را کف دستش پیکارند ولی او کریخت و در دادگاه آن مرد راه چاقو کش همراهی کرد آزادی درین من که این دادگاه باید بکار گیری شد که او ای کمال و قاخت و پیشمری ثابت که یک مشت چاقو کش برای شمارت پیغام همچو کردند درین راه چاقو بکویم که شاهنشاه هیئت اشان را در برابر همه ناراضائی های این مرد - حتی از درودها ادامه ملوکه ای ساده فرمودند که در دولت موظف است من ایت نماید که دکتر مصدق از تصریح آسیب مصون بماند. در امثال این امر ملوکه ای اینجا بکویم که شاهنشاه کردید پس این نظری و معتبرین این انتظای اورا درینه خود گرفتند و از چنانکار مردم نجات یافتند تا از زحم و مراجعت برضور پاشد و تسلیم قانون کردد اثکون اینجا بکار ملاحظه میکنم که این مرد چنانه از این طبقه در شاهنشاه دادگاه مosome استفاده نماید و ملاحظه نمی کند که داده شنی که اینجا وظیفه میکند نهایته قانون و هدایت و در این مضره دادگاه از لحظه وظایف قضائی نهایته بزرگ از تشناران فرمانده است.
اینجاین امر و قدریان مردم غیر و په نایانه کی ملت قهرمان ایران و از اطرف مادران از خدیده و پدران خسته و کوفه از ذیر مطهانه است و شاهنشاهی اطفال یعنی، شاهزادی کی رئایی شهران آنان در مدت سه ای این مرد و روز ۲۸ مرداد بعاث و خون غلطیدن اینهم و طفیه میکنم و این مجرم سر سخت همین طوریکه در حال چرت زدن است مواظب است که چه موقع کله ای بکوید و تصور میکند که این سیاست شاهی او مرد از انجام وظیفه باز میدارد درحالیکه او خوب مرد این سعادت و میداند که نهن مثل او سرست متنی من در درجه حقیقت و او در راه خیانت و شفاقت و ریختن آبروی ملت ایران تردیدیکانکان هشت مطعم داد که تا آنها کجا من بپاطر دارم برای او لینه بار است که یک مرد که میکنند تاریخی است و میکنند میل است بعسر عدالت آورده شده دیگر دادستان مثل اینجا بهله او یکی خواست تنظیم کرد و پاسخی هرچه تماش و مصرا کیفر او را از یکشکاه داد که تقاضای نیامد.
در این هنگام که مقابر اساعت ده و نیم بوده دیش تلسی داده شد.

لیم از لکس مقدار ساعت ۱۰ و ۵ دقیقه مجدد
جله تکثیر شد.
و گیلان داد خطا طب پیش از مردم تپی
آذموده گفت: بیانات خود را دادهید.
مرتب آزموده گفت: پسرش داد کلم
معترض میرسانم یا ز هم توجه نمیگشت
دادارسان را که همه از اسرار
تحصیل کرده پایانترین داشتمه ها
داشتمکارهای نظری دنیا و ایران هستند
و همه مقام انتخابی بر پهنه ایران ازدواج
نمیگردند و نکته حساس در مورد خواص این
هرست معلم است که همه با آینه د
خداشناس و پایغایی و تحری مستنده تو
بینی در منته میگردند.

بسیار قوی است زیرا صریف نظر از ایمان شخصی که دادم و مختصری در راه انجام وظیفه در این دادگاه تاریخی بعرض رسانم هدایت پروردی هشدار دارسان مضمون دادگاه اعتماد اطهان کامل دارد من بخوبی میدم اما اگر بتا بر خوبی بشری اختلاط در بیانات خود اشتباهی نایم حساد دارسان مضمون این دادگاه بادقتی که دادگرد از روح هدایت پروردی که دارد ایشانه مرآت میرم خواهد برمود بنابراین من کوچکترین نزلی بدانم و بخوبی میتوانم وظایف خود را در این دادگاه انجام دهم.

با ذکر این مقدمه مکتهنه ای را پایان بمرش دادگاه معتبر بر سامن اینست که افراد پیشماری ایشانشور بنطفو محضت فرمایند برای تسبیل انجام وظایف این دادگاه بدهم میکنند اثرا نهاده و نیشناسن ولی مرآ از اخاذ میکنند و هر یک تعنوی غیر مستقیم در این دادگاه وظایف خود را انجام میهند پایه هم اینطور باشد چون همانطور که در شد این دادگاه یک دادگاه تاریخی است و اینجا به لیاقت آنرا دارم که منحصر بتوانم این وظایف سنتی کن را انجام دهم مگر اینکه همه ملت ایران مرآ پایان نماینده کیفر خواستی که در جله کلته قرائت شد مندرجات شیوه نیست که همینها بتوانند پایان چله را یکی تکدیب میکنم آنرا داده باید این چله به جمله فرمولی است که هر متین و قی در محضر هدایت او در پایان چله بگویی میکشاند کوکید مدرجات زعما نامه را یکی تکدیب مینمایم این خاصیت مجرم است این مجرمین را که در محضر هدایت آورده ام و دادار خواهم نزد که پانصیرها و تلویها بجزم خود از اخراج کنند و این وظایف دادستان اذنش است که بخوبی ادعای نامه خود را بیان کند تا مجرم هم از اتفاق نماید ولی یکی از این مجرمین که در روی نیست چایان او را شناخته و خاید باشد از این سرفت

دیس - چون کیفر خواست قیلا خوانده شده و کای مدافع شا از متن آن اطلاع دارد ادامه جلسه د قرائت کیفر خواست مانند ندادوار از طرف دادگاه بدون حضور کلای مدافع شا انصبی اتخاذ نخواهد کرد.

در این موقع منشی دادگاه بنا به دستور دیس شروع بقرائت کیفر خواست دادستان ازش علیه دکتر مدنی و سرتیپ دیاسی که قبل امن ان درج کرد بدینه نمود.

اجازه زده هدایت رفرو و ایا ورم

چند صفحه ای که از پیش خواست دادستان ازش قرائت شد آقای سرهنگ بزرگ کمپ و کیل مدافع دکتر مدنی اظهاردادشت:

اکر بر از است امیر مدافع

و کلای مدافع شروع شود چون من لایحه دفاعه خود را منزل کذاشت ام اجازه بدهید بروم پایا و ملی دیس داد نام با این تقاضای و کیل مدافع دکتر مدنی موافق نکرد

یکم، ازو کلای مدافع آمد

قراءت متن کیفر خواست دادستان ازش توسط منشی های دادگاه قربی یکسات و سرچی طول اجامید و در هنر هنکام آقای سرلشکر میرزا لایی یکی از کلای مدافع آقای سرتیپ دیاسی وارد چلسه شد و در کنار موکل خود نشست.

پس ازخانه قرائت کیفر خواست دیس دادگاه کام خطاب با فای سرلشکر میرزا لایی لکفت: تیمسار میرزا لایی خواهش میکنم سرتیپ آقایان و کلای مدافع آقای سرتیپ دیاسی در جلسه حاضر باشند.

رسرلشکر میرزا لایی - بینه که وسیله ای ندارم دیس دادگاه - بهر حال فعلا جلسه را شتم میکنم و جلسه بعد فردا صحیح ساعت و نیم شکل خواهد شد.

مقارن ساعت به چلسه داد کاخ تم کرد پیدا.

جلسه امروز صبح

مقدار ساعت هر چهل دقیقه صبح
امروز داد کامبودی نظری برای است آقای
سرشتر مقبلی و کارمندی نیمساران
سرتب اشاره شدند که آن سرکرد شکوهی
باحضور متین و کلای مداغ آنها
نشیکل شد
پس از آنکه رسیدت جلسه اعلام
کرد دید آقای سرکرد شکوهی صورت
جلسه افرات کره و پیش ریس داد کام
خطاب با قای دکتر مصدق گفت طبق
مدادرجات کفکشواست شما نهنهم هستید
آیا بکناء خود اهتم افزایید؟
دکتر مصدق چواید برای داد کام
اعتنی ازداد ام
ریس داد کام همین این مطالعه داشت
به سرتیپ ریاحی اظهاردادشت و سرتیپ
پای خیز در چوب کفت کلیه اتهامات
۱. تکذیب می کنم و بعزم خود و کلای
ندافع من آنرا رخواهند کرد . پس
پس داد کام بدادرستان اظهار داشت
درباره کیفرشوست روز پیغام دهد.

طهوارات دادستان

در صدر کیفر خواست مشخصات متهمنین ذکر گردیده متهمنین چون دو روپ بوده اند
یعنی را در ردیف یک کیفر خواست
مشخصان را توصیف سودم و دوم را
قبل از بیان کیفر خواست خود که

در پیش از میر جلالی
 صن بیان ناشان یابن متینه در رچه دادند
 (من شکر میر جلالی از چهار خاست و کفت
 تکنیکی سی کنم) و اهل طار فرمودند متهم
 در چه یک آقایان دتر چهد منده و متهم
 کردند
 ۲۴ تیمسار سرتیپ تی ریاحی
 این نکته را پایه داده و توضیح کرد که در پیش
 خواست تو شاهد همین روزی پیک و
 ریف روزی داده و بوداره یاک و در
 باوات دارد شونده از درجه یاک چنین
 میگهند که کلی خواست دادستان ارش
 د و نظر متهم را درجه یعنی نموده در
 صورتیکه ایستطرور نیست در کلی خواست
 نصر شو شده که این دو نظر متهم هم
 باقی نداشتند که برای این داده ام تمهین
 را کردند اما پایه دیان بیان پدر کاه
 شکاره اند پیش از شام و سر تعظیم به بار کاه
 باعظام و چالش فروآ در و از در کاه
 قدس شلت نم که برای افرادی که میباشد
 و مدد کند و توقیع دهد تا عظیمه مشتبی
 اک دیان داد کاه تار پیش از همینه
 محوال است اینجا اینجا دام دم در محض
 بن داد کاه معلم تار در مدارل ایشان
 ملته و
 فنه
 بود
 منظ

مندرج و درآمده ۳۱۲ آنند در درس را
چه بالباشره ایجاد داده اند و چه
با همکاری پنکدیر شناسایی از نظر
دادستان ارشد هر دو همین و در ارتكاب
امور بخوبی مبتدا می باشند که یا یک کاه
دیگری مرتكب جرم کردند یا همان که
دیگر اینست که اگر اینجا بخوبی در
اطهارات خود ایندو فرقه را که در روی
این نیمکت نشانه ام خوان می هم
سرخی می کنم این هم دلیل دارد و دلیل
از این است که از طبق دادستان ارشد
آن و فقر معبرند و چنانی و دادستان
از شنیدن تبدیل درجه حریمت آنها داد
و نه کوچکترین شکنی در تپکاری آنان
و پذیرفته است چون دیالیسی را آنها
از درجه همیدام که خواهند نظر و شاهنده
نگران است که میادان اینجا بخوبی
برخواهد حق و حق و حقیقت و عدالت بر زبان
در زمین مبنای اینجا و طبقه ام که در ریشه
نشود و می این ای ای ای ای ای ای ای ای
دیده را در می این است و ارواح
۲۸ مرداد ۱۳۹۶ در یاری همه من متحول ساخته است
که یاران و طبله بردوش منیست می کند
پیشوای من می کنم که چون این شهادت
امید و خوشبختی داشتم بتوانم این
روز و شاهنده با ارواح اولیاء اسلام
نشود است من مدد از ارواح
طبله اولیاء اسلام میکنم و با این
خدمات دیگر این ای ای ای ای ای ای ای

رئیس - چون کیفر خواست قیام
خواهنه شده و کلای مدافعت شما از
من تن آن اطلاع دادند ادامه جلسه و
قرابت کیفر خواست مانند ندارد و از
ظرفی داد که مادردن حضور و کلای مدافعت
شما تعبیه اختلاف نخواهد کرد.
در این موقع منشی دادگاه بنا به
دستور رئیس شروع برآت کیفر خواست
دادستان از شش علیه دکتر مصدق و
سر تیپ ریاضی که قبله متن آن درج
گردیده بود.
اچازه بدهد یهیدری و بیا ورم
چند صفحه ای که از یافته خواست
دادستان از شش قربانی شد آقای سرهنگ
بزرگ همراه و کیل مدافع دکتر مصدق
اظهارداشت:
اگر قرارداد است اثب مدافعت
و کلای مدافع شروع شود چ-ون من
لایحه دفاعیه خود را متزل کذاشت ام
اچازه بدهید بروم بیا ورم ولی دیس
داد نام با این تقاضای و کیل مدافع
دکتر مصدق موافقت نکرد
یکم، ازو و کلایی هدایتم آمد
قرابت متن کیفر خواست دادستان
ارتش توسعه منشی های دادگاه ترتیب
پیکاسوت و سوابع بطور انتظامی و در
هز هنکام آقای رئیس شکربریده لالی یکی
ازو کلای مدافع آقای سرتیپ ریاضی
وارد مجلس شد و در کنار موکل خود
نشست.
پس از خانه قربات کیفر خواست

ریس داد کاه خطاب با قای سر لشکر
مید چالانی گفت: تیمسار میر چالان خواهش
میکنم پس از آقایان و کلای مدافع آقای
سر تیمساری اصلان عده هدید که فرد اساهت
و نیم در چاله حاضر باشدند .
سر لشکر مید چلانی را - بینه که
و سیله ای ندادار
ریس داد کاه - بهر حال ملاجله
را ختم کنیم و چاله بند فرداصیح ساعت
و نیم تکلیخواهشند .
مقارن ساعت هه چله داد کاه ختم
کردید .

چله اهروز صبم

مقارن ساعت هه چله دیفهه صبح
امروز داد کاه بودی نظایر بریاست آقای
سر لشکر مبلی و کارمندی نیمساران
سر تیپ اشاریبور - پیشیار خزانی ،
مشیر و مشی کری آن سر کرد که توکو
باحضور شهین و کاری مدافع آنها
تشکیل شد .
پس از آنکه رسید چله اعلام
کردید آقای سر کرد کنکوئی صورت
چله ای افراد اکثر کره و سپس ریس داد کاه
خطاب با قای دکر منصن کفت طبق
مندرجات خیر خواست شما منهن هستید
آیا بخواهید داداری داده
و تک مصدق جواب داد برای داد کاه
اعتنی انداده .

ریس داد کاه هنین این مطالب را
به سرتیپ ریاضی اظهار داشت و سرتیپ
ریاضی نیز در جواب گفت کلی اتهامات
دا تکنکیب نیم و بیوقم خود و کلای
مدافع من آنرا رخواهند کرد . میس
ریس داد کاه بدادرستان اظهار داشت
در زاره کنکر خواست توضیح دهدید .

ایخیار داد مردم را برای دادرس
قانونی تقدیمات در قانون دادرسی و
کیفر ایش در حدود اختیارات ماده
و اذاری با خارج بوده است و دیوان
مالی کشور که هایلترن مرعج قضائی
کشود است همین تصریم را اتخاذ نموده
است و اظهار این که دیوان اعلی کشور را
متعمل نموده است پایتچه باصول مکرر
و متعدد قانون اساسی بر تفکیک توای
سه کاهن و اتفاقات دعا کم بیچوچه
مورد نداشته و مردو داد است .

در زاره اهروز چهارم - ابرار
تمهم بایشکه اتهام متبه (که عدل سوی
صد بوده باش) بامداده ۳۶۷ قانون
دادرسی و کیفر ایش مانع تیقیت چون
این موضوع موبط باهیت دعوی بوده
و ضلال داد کاه نیتواند وارد آن بست
شود ذیرا موقیت ورود با موضوع
موبط بر سرکید که ماهوی بروند بوده
و قابل توجه نمی باشد .

در زاره اهروز پنجم - ابرار اتهام
بایشکه چون دادستان داد کاه در زمان
تصدی و وزارت دفاع مشارلی یا بهمه داداری
ریاست اداره مندس ارشت هر نوس
او بوده و می تواند در داد کاه سنتی
داشته باشد مردد داد است زیرا در موضوع
که مسحتی ذایل هی شود دیگر شوان
ریاست مدنی است و چون یکی خواست
دادستان نیز محدود بزمانی است
که معمم هیچ هنوان نداشته است
استاند به تقریب ۳۷ ماده ۳۷ قانون
دادرسی و کیفر ایش وارد نمی باشد .

سایر اظهارات دکتر محمد مصدق
نیز چون مر - وط بیا هیت دعوا است
هشتگام رسید کی ماهوی مورد مطالعه
قرار خواهد گرفت پیاره این داد کاه

صلحیت خودرا برای رسیدگی کی پایه ای دارد
منتبه پدر محمد مصدق اعلامیدارد.
ب- درمورد رسیر تپقی ریاضی-
نسبت به رسیر تپقی ریاضی چون منهم
نظایر و درجه حساله رسیدگی پایه ای منتبه
با او دارد در صلاحیت هاد کاهای نظایر
بوده و چون رسیر صلاحیت داد گاه
نهض پرسونده مشمول پوروز زمان ابرد
مؤثری اذطرف و کلای مدافع ایشان
پسل پامده و ایراداتی هم داد و کلای
مدافع ایشان درمداد دالا نموده اند
تکرار ایرادات آقای دکتر محمد مصدق
بود که در بالاتوضیح داده شده بایین
داد کاه آمادگی خودرا برای رسیدگی کی
با همین اینهاست داده شده بایین
رسیر داد گاه عادی و مقایم ۵۰ تا
۲۸ مرداد ۱۳۳۶ سر لشکر مغلبی
ایزدیکشاو شاهنشاهی مقنعن خود را در مدنظر

دار و دیدن که خداوند ناظر و شاهنست
تکران است که میاد اینچنان تله ای
برخلاف این و حقیقت و عدالت زبان
آورم مبنای اینجا وظیفه کنم درینشه
بی دشی و بی ایمانی، پنهانکاری و میخان
بکشند و ملت ایران است و ارواح
شده را روز ۲۸ مرداد ۳۲ و طبق
سنگینی را بر چهه من محوال ساخت است
که باران وظیفه بردوش سنگینی میکند
و بخوبی می داشم که چیزی این شهدادر
دامنه و تحقیق خواسته بود و شاهد بودند
او را حشمت با ارواح اولیاء اسلام
معشور است من مدد از ارواح
طیبه اولیائی اسلام، پیغمبرم و یا این
قدسمات و یا این ایجاد من روی چشم

دادگاه نظامی باتفاق آراء بصلاحیت
بقیه از صفحه اول

رسی و کیفر از شش نوده و اختراض
بعد آورده اند از ساعت ۱۴ روز بیست
۲۴ آبانماه ۱۳۳۲ هیئت دادرسان داد
گاه شورپرداخته و پس از مشاوره با فنی
آراء چنین اضافه نظر نموده است.
الف در مرور دادگاه محمد مصدق
تمهم ردیف
اولاً درباره ایران بدقیق بررسی
اطهار ایشان بشرح ذیر نوده است:
۱- تحقیقات مربوط به روند
کوئدنای ادعائی مرداد ۲۵ مرداد
۳۳۲ میل نیامده است.
۲- نسبت پوشه ایشان (شاه) شار
که در جلوی خانه ایشان (شاه) شار
بنظر دادگاه همچو بک اذین د
ایزاد موضوع رسیدگی با تمام منتهی
به تمدن رسیدگی که باستاند ماهه ۱۷
قانون داد و سریع و کیفر از شخص طر
کرد از تباطع ندانده و تحقیقات
باره رسیدگی بایشان غلی متمم کافی
بوده و نفس در پرونده مشاهده خوا
نماید از باره مصلاحیت دادگاه نیز غیر ظاهر
دکتر مصطفی عصیانی متمم ردیف مطالع
مقفل بیان داشته که آن بهی از تصریح صلاحی
قابل توجه برآمده رسیدگی که اعمام نظر
میباشد بشرح ذیر است:
۱- متمم نامیرده مدھی است که
نهشت و ذیر قانونی بوده و هست و
معا کما وی پاد در دور پویانشور میل آید
۲- انتهام هشتبه یات بزمی سای
است که پاید در حضور هیئت منصفه
پیمان آید
۳- این دادگاه ذاتاً فاقه دارد از
است ذیر اطبق لایه قانونی دکتر مصطفی
عصیانی که پس از قانون ۹ ماده
اشتخارات صادر کرده است دادرسی
ازش منحل شده و دادگاه غلی موتیت
قانونی ندارد.
۴- عمل منتبه یامده ۳۱ قانون
دادرسی و کیفر از شش منطبق است.
۵- دادستان ارشیون در زمان
تصدی و وزارت دفاع مملکت ایشان در پرس
اداره مهندسی ازش بوده است پس بوجو
پندت ۳۷ ماده ۳۷ قانون دادرسی و کیفر
انتهای شیوه ایشان دادگاه ایشان ستو
داشته باشد.
بنظر هیئت دادرسان دادگاه
در باره اصرار این پکم طبق منصوب
اصول ۶۴ همه قانون اساسی، و نسبت
دو سوابع تهاجمی و خبر تئاران در جلسه
بداز ظهر امروز بیش از سایر جلسات
اخیر بود طوری که تاسعات چهار بیان
از ظهر تمام صد لیهای جایگاه تماشاییان
ومغایرین گرفته شده بود و عده‌ای هم از
پا ایستاده بودند.
دوساخت و نیم اتفاق
ساخت از چهار و چهار و نیم دیچی هم گذشت
ولی از تشکیل دادگاه شیری نبوده است
قضات در اطاق مجاور دادگاه اجتناب
کرد و مشغول شور بودند و فقط کاهکاری
ساده ای پیش از آنها پیکوش می‌رسید و لی
این صد امام حل دوی مسافت و فاصله
شونده آن مفهومی نداشت از تمدن و
وکلای مدافع آنها هم شیری نبوده اینی
دکتر مصطفی باو کیل مدافع در این طبق
خود بسرمیره و مرتیب ریاحی هم به
پدیداری پادگان نکر پیش محل بازار
داشت او بزیده شده بود.
در این مدت که مغایرین هراید و نشایان
بیان از انتظار طولانی خسته شده بودند
و ای محظوظه باخ رفته و کردش میکردند
در تالار آداییه هر چند قرقی در کوشش
او چشم شد و در باره از دادگاه اظهار
خطیمه میکردند.
چندندگان از اساحت شش گذشته بود
و عده‌ای از تماشایران قصدمند اجتی به
شهردا داشته که میکن از افسر امان مأمور
انتظامات کفت هر آنایران قضات در
شرف خانه است و متوجه دادگاه نکه
سرتیب ریاحی و کلای مدافع اور از
شهر سلطنت آیا بیاورند تو از تقدیقه
دیگر دادگاه تشکیل شکنیده اند.
نهی هنر ای ایا ورید
بیست دقیقه از ساعتی پیدا ظهر
گذشت برو کیکی اذمنی های دادگاه
بنالر جلسه آمد و مغایرین هراید از اداره
در باره از تشکیل دادگاه سوال کردند
و اتفاق الان هرور دادگاه خانه
یافت و مشغول تنظیم متنی ریای دادگاه
شونده و چند دقیقه بعد جلسه تشکیل خواهد
شده درست ساخت شد و همه مدارا ظاهر
بود که آقای هرگز کوچک و کوچکی های دادگاه
ادور اطاقیکه هیئت دادرسان در آن
اجتناب کرده بودند وارد تالار جلسه شد
و خطاب به افسران مأمور انتظامات
اد نکت: «متهین رای از درید»
بنجذیقه میدآقای دکتر مصدق در

و زواجه از حقوق مسلم پادشاه است که
در طول عمر مشروطت ایران مورد عمل
قرار گرفته .

سوانح ملی در دوره سلطنت احمد
شاه چادر نسبت بزرگ نداشت و زیر پوشید
تلکراف از اروپا و هرل و حصب های
زمان اعیان پرست قرید رضا شاه کیم
هیجین زمان اعیان پرست های هنر و مهندسی
رضا شاه پهلوی در پارهه جنایان آغایان
ساهمندانه - علی منصور مر حوم پهپاد
احمدیلی زدم آرا و جناب آفلاطونیون علاوه
همه حاکمی از اسرار است اهل علی و متمم قاتون
اساسی و استفاده اذان حق مسلم مقام
سلطنت در راه مقططفون اساسی کشور
و دوام مشروطتی بر پاشد ، چنانکه
پس از استفاده اقای اساسی همراه از استفت
و ذوقی که اعیان پرست های یون شاهنشاهی
تصبیح اقای های منصور را خودت و زیری
садار فرمودند و کایانه خود را تکلیف
داد و اقلیت مجلس ۱۶ پر بهتری همین
آقای دکتر محمد صدق رسا مکاری
خود را بادولت ایشان در مجلس اعلام
نود و همین هنگامی که بر فرمان
اعیان پرست های ایرانی مر حوم پهپاد
علی زدم آرا پنجه و زیری منعوب
کردید لا علاوه بر اینکه با کارکرد
راز اعیان پلیس شورای امنیت دای اینسان
کفر از فرقه اقلیت مجلس ۱۶

آقای دکتر محمد صدق هنگام اعلام
نهضت قرارداد بازگشای ایران و شوروی
نهضت و اسلام اسلامیه تسلیک

حایلیک افواهی هنک برز کمیر دیگر
مداعع وی ذیر مازوی اورا کفر بود
و اراده جلسه هد و در جایگاه همین
نشست .

دوست دیگه بده آقای سرتیپ بایانی
بیز بنهانی و پیون و کلای مد اخراج خود
بنابراین جلسه آمد و مست راست جایگاه
نمینهند قرار گرفت .

جلسه رسمی است
چند دقیقه ای باعث ۷ بد از ظهر
ما نه بود که منشی دادگاه وارد هیئت
دادگان دادگارانه اهلام داشت
حاضرین باشتم روداد نان یا خاسته
آقای سرتیپ مقبلى دیگر دادگاه قبل از
هم و سپس پهناز بر از هیئت قضات آقایان
سرتیپ خان ای - سرتیپ شیر واقی -
پر تیپ اشاد بور - سرتیپ بخیار به
سرتیپ و ازدی لالار جاسه دند و در جایگاه
هیئت دادگان در درود رفر فرس داد کاه
قرار گرفتند و در هر دو هنر اصله آقای سرتیپ
آزاده دادگان از این ارشت باقیان دادگان
ازد و روایت تالار آینه و در چاله هدن
در درجای خود نشستند .

پنجمین هیئت باعث ۷ مانند بود که
رئیس با صدای ذنک رسیت چله را
اعلام نود و با صدای بلند گفت: جلسه را
رسمی است و همی دادگاه قرارداد کاه
را فراموشی کند .

حق فرار از دادگاه

در داشتن حق آقای سرتیپ کرد شکوهی
نمیش دادگان از ایجادی خود برخاست و
نهضت ایجادگان را داد .

نحوه: می رند که داده اند و بسیار درین فرات
قراردادگاه در موضوع آنها متنبی نهانی
دکتر محمد صدق و سریب نقی ریاضی
که موبیپ کلخواست ادامستان ارتش
یاستادماده ۳۷۲ قانون دادرسی و کیفر
اوشت، تحقیق یکدیگر دادگاه نظامی قرار
کرده اند از جمله مورخ پیکتبه ۱۲
آنان ۳۲۶ نتا جلسه یکتبه ۲۵ آبان
ماه و با استعای میان مهینه نامه برده
در اداره مختلف قتبه مورد تائید
تمدیدی خود متمم قرارداد کفته و اقام
قاضیانی داشته است. پیمان این از اساقه
۱۴۵ هجرت داده اند ۱۳۳۲ خوان اینکه
از نهضت وزیر یزد و چهار خانوی داشته
فرمان اعزل آقای دکتر معدن که اساقه
شد. پیامر ایوب فرق تردیدی نیست که

ورزش

حوادث

ضیافت در هتل فردوسی
روز چهارشنبه هفته گذشته از
طرف آقای سرهنگ خسروانی مدیرافت
ناهاری با تفاتحه موافقت پوکی راهی
باشگاه در مسابقات پیامبر کس نشست
صلانی آنکارا در هتل فردوسی ترتیب
داده شد که رئیس و معاون ترتیب پذیری
و دیگر بودند ناگهان پیش از بکور
و دیگر فردوسیون پوکی و بکور
های باشگاه و مدیران پیشنهاد تنت
حضور داشت و از طرف آقایان امیر
خلیل زینی ندرادسون پوکی کسر نشاند
خسروانی و هایت نظرهای ایرادش
دروز شکایه باشند

شب چهارشنبه هفته گذشته آنایان
دب هوش و پیروز نایاب ریس
استمرتیکر کرد مصدمون رایی اسراست
سینا حل کردند.

مامورین انتظای رانندۀ اتوبوس
دادستگیری کرد مصدمون رایی اسراست
سینا حل کردند.

معجزه وین قاده پنکام پیشنهاد
تحت تعییب قرار دارد.

دوفطان در حوض آب

خفه شدن

دیر و زلزله سال‌ای ناشایع
در حوض آب منزل مکونی خوش

و اعجج شبابی آمل افتاد و خفه شد.
هر چنان باطلع کلتی ۱۳ رسید و

پرشک قانونی یامانیه جسد اجازه دهن
آنچه در باشگاه با کامی حاضر شد
پکور و روزهایی باستانی پیمانداری

آقای بازمه بهار کشت آقای ناجیو
انجام شد توجه و اقامه کشت.

مسابقات والیا آهور شکایهها

از میز روزبه مسابقات والیا
آموزشگاه در چهارخونه ۲۰۰۰
اکبر آزادووهان پوکی ابریز باش کت
۷۱ تیم ذیر نظر آقای کاظمی هری
اغاز شد چون حوزه دیرستان ابریز

مورد موافق رئیس دیرستان واقع
شد چند از طرف مسابقات آن حوزه در
امجدی انجام شد.

مسابقات هوایی باشگاهها

مسابقات حلقه هوایی باشگاهها
باحضور رئیس و همچو اخراج فردوسیون
هوایی باشگاه ۲۲ آن در
زمنی های امجدی آغاز شد؛ جو از این

مسابقات که بای کار برداشت و ۱۰۰
کلدان نظره است توسط موقوعه ادیو
غیلس اهداد شد.

کوهنوردان در قله سرخاب

کوهنوردان باشگاه تاج که برای
تین ارتفاع قله سرخاب پس پرستی
آقایان تیموری و پیشتر و رسانی
آقای مهندسان به کیم و قله منبور
هزست غودکه روز هندهم آیان با

موقعیت در حلقه کوهنوردان شدید
مانع اتفاقیم برقه آن شاهمه نیوی دیش
از صعب آمیشگاه و دفتر پادشاه
دادارخانه ۸۰۰ هتری قله سرخاب
هزست غودکه روز هندهم آیان با

تقویت همراهه دوچرخه سواری

مسابقات دوچرخه سواری تهران
نادریند که از طرف باشگاه تاج ترتیب
داده شد و قارب پیشنهاد روز بند
که داشت از طرف باشگاه و دفتر پادشاه
هزست غودکه روز هندهم آیان با

برای رفاه حال اسکی باران

چون بازدید آمدن بر فاید این
برای رفاه حال کانی که آنکه اسکی
غونه هدف فردوسیون اسکی و کوهنوردی
برای رفاه حال کانی که آنکه اسکی
ناهاده باشگاه و دفتر پادشاه هفته
که داشت از طرف باشگاه و دفتر پادشاه
هزست غودکه روز هندهم آیان با

ورود

آقای هیئت مصطفی رهنا مدیر
میمه سیات مسندی که ترتیب سمه دو
اهنگان بازدید شدیده ریزی از رفع
سوه نامه و صدور قرار آزادی و
بتران و ازدید.

آقای دکتر محمد باقر مسابقات که
بکمال قبل بازیگران گزینه کرد پوک
و ووچل پیش از مر. مجاهد نژاد.

اتومیل سواری با توبوس
برخورد گرد و چند فر
مجروس شدند

دیرز اتومیل سواری شاره
در هر کت بود ناگهان پیش از بکور
اتوبوس هایی که بطری خیابان
پیش از این میزدیت و شاره تنت
دشت تصادف کرد که داشت

کله بر نشان اتومیل سواری پیش
میزدیت شد.

مامورین انتظای رانندۀ اتوبوس
دادستگیری کرد مصدمون رایی اسراست
سینا حل کردند.

معجزه وین قادر پنکام پیشنهاد
تحت تعییب قرار دارد.

دوفطان در مطابق اصول

دیر و زلزله سال‌ای ناشایع

در حوض آب منزل مکونی خوش

و اعجج شبابی آمل افتاد و خفه شد.
هر چنان باطلع کلتی ۱۳ رسید و

پرشک قانونی یامانیه جسد اجازه دهن
آن داده شد.

دیگر شدید علی قرنیز خود را

دستور ایجاد شد

در گذشت

دیرز مردی شام چشم فرند

کردید و دیرستان اسراست

مامورین انتظای رانندۀ اتوبوس

کردند و پرشک قانونی پس از میانیه
در ایجاد شد

تصادفات

اتوبوس خط ۲۶ بشاره ۱۰۰۴

بر ایلان رکنی علی آفغانان در میدان حسن

آیاد یا شخصی شام ابراهیم که سوار
دوچرخه بود تصادف کرد و بیر امیر وح

طبع نموده پیش از این میانیه

آیانی که کارهای داده شد

هزست غودکه روزهایی داشت

هزست غودکه روزهایی داشت

در پیش از این میانیه

و کول هدایت سر تیپ ریاحی انتظار

در پیش از این میانیه

و کول هدایت سر تیپ ریاحی انتظار

در پیش از این میانیه

و کول هدایت سر تیپ ریاحی انتظار

در پیش از این میانیه

و کول هدایت سر تیپ ریاحی انتظار

